

جان لچت

ترجمه: محسن حکیمی

پی‌یر بوردیو متفکر ساختارگرا

توضیح مترجم

مقاله‌ی زیر یکی از پنجاه مقاله‌ی کتاب پنجاه متفکر راه‌گشای معاصر است که با ترجمه‌ی این قلم به زودی از سوی انتشارات خرسنه منتشر خواهد شد. این کتاب، خواه برای اهل فن و خواه برای عموم خوانندگان، مرجع است ضروری درباره‌ی مهم‌ترین پدیده‌ی فکری قرن حاضر، یعنی پیدایش مکتب‌های فکری‌یی که می‌توان آن‌ها را زیر عنوان ساختارگرایی، پساساختارگرایی و پسامدرنیسم خلاصه کرد. نویسنده‌ی کتاب، اندیشمندان موردنظر خود را، که در میان آنان فیلسوف، زبان‌شناس، منتقد ادبی، نظریه‌پرداز اجتماعی، فمینیست و تاریخ‌دان به چشم می‌خورند، به‌که جریان فکری تقسیم کرده که عبارتند از: ساختارگرایی آغازین، ساختارگرایی، تاریخ‌نگاری ساختاری، پساساختارگرایی، نشانه‌شناسی، فمینیسم نسل دوم، پسامارکسیسم، مدرنیته و پسامدرنیته.

از چهره‌های شاخص متفکرانی که نویسنده به شرح زندگی و اندیشه‌ی آنان می‌پردازد، می‌توان از باخستین، باشلار، سرلو - پونزی، آنتوسر، بوردیو، چامسکی، یاکوبسن، لاکان، لوی - استروس، بیانی، دلوز، دریدا، فوکو، لویات، بارت، ژاک، کریستوا، تودورف، ایریگاری، آدورنو، آرت، هابرماس، بلاتشو، بنیامین، جویس، زیدل، دراس، بودریار، و لیوتار نام برد. البته، نویسنده پیدایش مکتب‌های فکری فوق را از نظر تاریخی به دوران پس از جنگ جهانی دوم منحصر نمی‌کند و متفکران قدیمی‌تری چون فروید (ساختارگرایی آغازین)، پیرس و سوسور (نشانه‌شناسی)، نیچه (مدرنیته) و کانتاک (پسامدرنیته) را نیز در فهرست خود می‌گنجاند.

جان لچت - نویسنده‌ی کتاب - خود شاگرد ژولیا کریستوا بوده و علاوه بر تدریس نظریه‌ی اجتماعی و جامعه‌شناسی بازنمایی (representation) در دانشگاه مکتواری استرالیا، در زمینه‌های تاریخ، نشانه‌شناسی، سیاست و وجوه مختلف اندیشه‌ی مدرن پژوهش کرده و یکی از علائق پایدار او روان‌کاوی است.

متن اصلی کتاب به زبان انگلیسی و از انتشارات Routledge است. چاپ نخست آن در ۱۹۹۲ و تجدید چاپ‌اش در ۱۹۹۵ منتشر شده است.

لازم به توضیح است که نویسنده، پی‌یر بوردیو را در زمره‌ی متفکران ساختارگرا آورده است، با این اشاره‌ی کوتاه در آغاز فصل ساختارگرایی که: «روزی‌کرد ساختاری دو ویژگی برجسته دارد: (۱) بازشناسی این نکته که کلیه فهم فرهنگ و جامعه، روابط افترافی است (به استثنای مورد چامسکی)، و (۲) در نتیجه، ساختار بر تحقّق این روابط مقدم نیست. سوسور، با آن که خود سخنانی دشمنی گفته‌های خویش را به طور کامل نمی‌پذیرفت، الهام‌بخش این دیدگاه بود که رابو درک کامل‌ترین و ذات‌ستیزانه‌ترین معنای «ساختار»، تکیه بر اعمال مادی است.»



دیده می‌شوند، نشان دهد، تر همیشگی او این است که طبقه مسلط، سلطه خود را آشکارا اعمال نمی‌کند [طبقه] تحت سلطه را به زور و انار به پذیرش اراده خود نسبی کند. همچنین این طبقه در جامعه سرمایه‌داری از طریق نوظهوری که در آن تروتسک‌نشان آگاهانه واقعیت را به قالب نفع شخصی خود در می‌آورد، اعمال سلطه نمی‌کند. برعکس، طبقه مسلط جامعه سرمایه‌داری، از نظر آماروی، در قدرت اقتصادی، اجتماعی و مادی خود، بی‌شک قدرتی که در سرمایه‌داری اقتصادی و فرهنگی تجسم یافته، با جای جای نهادها و اعمال جامعه در هم تنیده است و توسط همین نهادها و اعمال بازتولید می‌شود.

ماتر بورديو در ۱۹۲۰ در دنگون در جنوب فرانسه به دنیا آمد. در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۰ به مدرسه معتبر پاریس، لویی-لو-گران، رفت و در اکول نورمال سوربویر لیسانس فلسفه گرفت. بورديو بهشتی از خدمت نظامی خود را به تئوریس در الجزایر پرداخته، و بدین‌سان استعمار فرانسه را به صورت مستقیم تجربه کرد. این تجربه، شکل‌دهنده بود و کوشش این فیلسوف برای شناخت آن، او را به فلسفه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی کشاند. بورديو بیست و سه سال، های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۲، در سوربون فلسفه درس داد و در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ مدیر پژوهش «مدرسه‌ی مطالعات عالی» (اکول پراشنیک) و مدیر مرکز جامعه‌شناسی اروپا شد. در ۱۹۸۲، به عنوان استاد صاحب کرسی جامعه‌شناسی در کتزدور فرانسه برگزیده شد.

بورديو در کتاب **انسان دانشگاهی** (۳) می‌گوید اکول پراشنیک در پاریس همچنان یکی از نهادهای نافذ جاشین‌بی‌اما معتبر نظام دانشگاهی فرانسه است. نهادهای که تئوریه و پژوهش اصیل را پرورش می‌دهد. این نکته برای اوایل کار بورديو اهمیت داشته زیرا گرایش آموزش عالی در فرانسه این است که حول افراد و نهادهای بوروکراتیک اعتبار علمی (مانند اکول نورمال سوربویر - خیابان دولم) بچرخد. «برخوردار از اعتبار علمی» لزوماً به معنی برتری‌گزینی اندیشه و پژوهش نیست. برعکس، بیان معنی است که تشویق‌های علمی نصیب کسانی می‌شود که، آگاهانه یا ناآگاهانه، می‌دانند چگونه با نظام جاشین کار کنند و بیش‌ترین استفاده را از هر گونه امتیاز ارشی یا سرمایه‌ی فرهنگی که می‌تواند استعمار یا باخته برساند. بورديو این امتیاز علمی محروم نهادهای برخاسته از آن را در مقابل شهرت پژوهشی و فکری قرار می‌دهد. در حالی که تئوری می‌تواند حاکی از نوعی قدرت تخیلی، اصالت، تیزبینی انتقادی باشد. اولی «مستزین‌ترین دلیل اطاعت» (۴) از اصول اساسی نظم مستقر و احترام بی‌قید و شرط به این اصول است.

دیگانه‌ی که محیط علمی را محیط «عدالته» و «فراتر از مزیت» می‌داند و فرض می‌کند که وظیفه‌ی آن «دکترش» و مراهبان دانشی» و گزینش «بهترین نفر» برای این امر است. نوما همان وفاکیشی (۵) شور معمول اولی کردن آن است. در واقع، به نظر بورديو، بورديو بدین‌وی و مسلم و بی‌نیاز از توضیح نظراتش مشرف یا زبان نادقیق و غیرعلمی است. - بر شناخت نادرست

یا توجه به پیچیدگی آثار بی‌پروبو، این خطر همیشه وجود دارد که طرح او را نادرست تفسیر کنید. در خواندن آثار او باید مدغم نگردید - همان قدری که در نوشته‌های خود بورديو دیده می‌شود.

از این نکته که بگذریم، در آثار او چند چیز به وضوح خود را نشان می‌دهند: دلبستگی به تحلیل نابریوری و تمایز طبقاتی در سطح ساختاری به جای سطح ایدئولوژیک، اما بدون تسلیم شدن به هندار ساختارگرایی «عینتگره» (به هفتگی بورديو) بلکه به توانا ساختن علم برای فرارفتن از اتکا به الگو در درک سرشت زندگی اجتماعی، و بدین‌سان پرداختن به عمل، یا اعمال، گزینش به فنرا رفتن از کلیشه‌ها، فلسفه‌ها و طبقه‌بندی‌های مبتنی بر باور (۱) هیچ‌جاستشمولی بی‌چون و چرا پذیرفته شده، و در نتیجه اشکال ساختن رابطه‌ی قدرتی که در واقعیت اجتماعی بر زمینه‌ی اجتماعی نقش بسته است. بورديو، از زمان انجام کارهای علمی در الجزایر در دهه ۱۹۶۰، خود را متعهد کرده است که شیوه‌های اساسی فلسفه‌ی طبقاتی را در جامع سرمایه‌داری آن‌گونه که در تمام سطوح آموزش و هنر

(meconnaissance) از رابطه‌ی نابریور قدرت و لازمی آن یعنی بازتولید امتیاز مبتنی است. اساس موضع نظری بورديو عمدتاً در مقاله‌ی او در اوایل دهه ۱۹۷۰ به نام خلاصه‌ی نظریه‌ی نابریوری عمل بیان شد. بورديو در این مقاله، بر زمینه‌ی مطالعات قوم‌نگارانه، چارچوبی سه سطحی درباره‌ی شناخت نظری تئوریه می‌کند که در آن در نهایت زرف اندیشه‌شترین سطح این شناخت به کار گرفته می‌شود تا «طبقه‌بندی‌کنندگان» خود طبقه‌بندی شوند. «موزوی عینت‌گره» خود عینت‌گره، ادارات ذوق و سلیقه خود نوری شوند. عنصر نخست این چارچوب عبارت است از «تئوریه اولیه» یا آن چه بورديو آن را سطح «فیدبارشناختی» نیز می‌نامد. این سطح برای تمام پژوهشگران این رشته شناخته شده است. زیرا متشابه داده‌های توصیفی اساسی آنان درباره‌ی دنیای آشنا و روزمره، خواه جامعه‌ی خود آنان یا جامعه‌ی دیگر است. سطح دوم، که به تقریب همان قدر آشنا است، سطح «الکوزاسی» یا شناخت «عینت‌گره‌یافته» است. این سطح، شناخت، فرآیندهای عینی انسانی، مسائل اقتصادی یا زیستی، تشکیل می‌دهد که به عمل و بازتابی‌های عمل ساختار می‌بخشد. بدین‌سان، در سطح اولیه، پژوهشگر بی‌سرد که متلا در هر جشن عروسی، جشن تولد یا کرسی، مردم به هم دیده می‌دهند در سطح عینت‌گره‌یافته، پژوهشگر این نظریه را ارائه می‌دهد که، به رغم آن چه دشمنور عالی می‌گوید، میدانه‌ی هدیه وسیله‌ی است برای حفظ اعتبار و تأیید سلسله مراتب اجتماعی، و چه بسا در عین حال موردی از میدانه به طور کلی به عنوان شیوه‌ی همبستگی اجتماعی، نکته‌ی مورد تأکید بورديو در مورد چنین شناختی این است که این شناخت، در اساسی شناخت ناظر متصل از عمل و محتای است که مشتق‌شده از پرورش نظریه‌ی نابریوری عمل است که به طور ضمنی در داده‌های اولیه آمده است. شناخت نظریه‌ی پراز متصل از عمل آن‌گاه که به ویژه به بررسی زبان یا میدانه‌ی هدیه می‌رسد به گونه‌ی معنادار محدود می‌شود. موضوع است که اگر زبان تنها از موضوع فزنده (که غالباً موضع اشتغال از عمل [است]) رتبه در عین حال از موضوع گوینده بورديو شود شکل ناقصی از شناخت به دست می‌آید. بورديو بدین‌سان می‌گوید نظریه‌ی درست درباره‌ی عمل باید همچنین حاوی نظریه‌ی نابریوری عیب اصلی روی‌گرد عینت‌گره‌یافته به عمل باشد که همانا این است که این روی‌گرد، سخت مداخلی از عمل است. بنابراین این تئوریه متناظر و اجزای مفصلی‌اش باید عینت - مانند «سبک» و «ظرفیت‌ها» و «مهارت» و «کارایی» (۲) و به ویژه «میدانه‌ی گوی» - را توضیح دهد. به مثال، شناخت عینت‌گره‌یافته‌ی که از عمل - برای مثال، میدانه‌ی هدیه - الگو می‌سازد نمی‌تواند به هدف نرسد. بنابراین «فایده‌ی هدیه» را توضیح دهد که ممکن است جاستشمولی الگو را بی‌امتار کنند به بیان دیگر، فرآیند به فرد امکان می‌دهد که در الگو متلاخه کند. این همان چیزی است که ساختارگرایی، آن‌گونه که لوی - استروسی آن را اعلام کرده است، اجازه می‌دهد. آن را می‌دهد بی‌تردید، همان‌گونه که نظریه‌ی سورديو درباره‌ی زبان به

بزهنگران نشان داده است. خصلت زندگی اجتماعی و فرهنگی را رابطه‌ها تعیین می‌کنند، نه جوهرها. اما باقی ماندن در این سطح که به ادعای بوربوی سوچ اول ساختارگرایی گرایش به آن داشته است، به معنی باقی ماندن در سطح الگوسازی یا شناخت عینیت‌گرایانه است.

پس به نظر بوربوی نظریه‌یی که درباری شناخت عینیت‌گرایانه است در حین عمل نظریه‌یی دقیق‌تر و روشنگرتری درباری عمل خواهد بود. او ادعا می‌کند که یک نظریه‌یی به راستی دقیق درباری عمل با قرار گرفتن در سوچ تحقیق عمل شکل می‌گیرد. می‌توان گفت که حکم شایسته است. اما اندیشه‌یی بوربوی را نباید رد کرد. و او پس از شرح موفقیت نظریه در مقاله خلاصه‌یی نظریه‌یی درباری عمل به کار خود ادامه می‌دهد و سه از مهم درباری آموزش و ذوق و سلیقه - انسان دانشگاهی، تمایز و آموزشیت دولتی: مدارس عالی و روحیه همبستگی گروهی - می‌آورد. آثاری که شماری از مفاهیم کلیدی بوربوی در آن‌ها به کار گرفته می‌شوند. مفاهیم «عادت»^(۱)، «میلان»^(۲) و «هرمبانی فرهنگی»^(۳) از آن جمله‌اند.

عادت، اگرچه گاه با برخی عادت‌های جاری زندگی روزمره اشتباه گرفته می‌شود یا با جامعه‌پذیری مترادف دانسته می‌شود. در واقع جزئی از نظریه‌یی بوربوی درباری عمل و بیان خلق و خواها در مکان اجتماعی است. مکان نیز مبنای اجتماعی است. زیرا مواضع آن نظامی از روابط را تشکیل می‌دهد که بر ستون‌های (قدرت) مبتنی‌اند. که معنای آن مورد تقاضای اشغال کنندگان مواضع مکان (انساکاهای) اشغال کنندگان مکان اجتماعی در ستون‌های قدرت است. عادت، نوعی بیان سرمایه‌گذاری کنش‌های است که در میان اجتماعی، یک طبقه نیروی مثال طبقه مسلط را از طبقه دیگر (مثلاً طبقه تحت سلطه) متمایز می‌کند. بوربوی در تعاریف، عادت را نظامی از طرح‌ها برای ایجاد اعمال خاص می‌نامد. بدین سان، اگر منظور از «ذوق سلیم» سلیقه‌یی استاد دانشگاه باشد که غرضش نوازهای^(۴) یاغ و گوش می‌دهد و کارگران بدی و دلفری که «دلقوب آبی»^(۵) (آلتراسون) را گوش می‌دهند یا استاد دانشگاهی می‌شود که استاد دانشگاه (به ویژه استاد حقوق یا پزشکی) خود هرزنده استانی است که یک مجموعه (کلکسیون) هنری خصوص طلشده و همسرش یک موسیقی‌دان غیر حرفه‌یی خوب بوده است. این ذوق سلیم اعتبار خود را از دست می‌دهد زیرا استاد دانشگاه کسی است که نه تنها در میان آموزش جزء معنی فایده است. او دردها بل به سوادها فرهنگی به ارث برده است. این بیان معنی است که در مواردی خاص محیط خانوادگی می‌تواند مفار جمعی شناخت فهم و ذوق» به وجود آورد که به طور رسمی قرار گرفته نمی‌شود بل ناگهانه کسب می‌شود.

یک عادت خاص آن‌گاه آشکار می‌شود که به گونه‌یی اساسی نشان داده شود که طبعی از منتظرها (مصلح) صلح تحصیلات درآمده ذوق هنری، سلیقه‌یی غنایی و (غیر) به یکدیگر گره خودماندند. چنین است که

استاد دانشگاه در رشته حقوق - بر خلاف کارگر بدی، بیش تر احتمال دارد که به مدرسه‌یی خصوصی رفته باشد. موسیقی باغ (و به طور کلی صورت هنر را به محتوای آن) ترجیح می‌دهد. درآمد بالایی داشته باشد و از غذای ساده اما با سلیقه تهیه شده از گوشت بدون چربی همواره سبزی و میوه و تازه خوش‌اشن بیاید. این گروه‌های (اشغال گرایش‌ها) همان چیزی است که به گفته بوربوی، مجموعه‌یی خاص (در این مورد بوربوی با مسلط) از خلق و عادت‌ها یا یک عادت را تشکیل می‌دهد. عادت، به وجود آورنده‌یی مجموعه‌یی از خلق و عادت‌ها مشترک یک طبقه است. با شناخت یک عادت طبقه‌یی نمی‌توان به دقت پیش‌بینی کرد که یک عضو طبقه‌یی مسلط یا تحت سلطه در زمانی خاص و موقعیتی خاص چه کاری انجام خواهد داد. این گونه پیش‌بینی کردن به معنی حذف زمان و عاملیت^(۱) و تأیید تقدم اولی می‌گردد. نظر است. همان چیزی که مقاله‌یی خلاصه‌یی نظریه‌یی درباری عمل در اوایل دهه ۱۹۷۰ را به نقد کشیده بود. بوربوی همچنین گفته است که عادت با قدرتی که فرد از جایگاه خود دارد سر و کار دارد و آن درک از طریق فرایندهای افتراق در مکان اجتماعی به وجود می‌آید و نظامی از طرح‌ها برای ایجاد اعمال و نیز نظامی از طرح‌های ادراک و ادراک نفسانی این اعمال است. سرزمین یک عادت و عادت دیگر همیشه زیر سؤال می‌رود زیرا همیشه سیال است و هرگز سفت و سخت نمی‌شود.

بوربوی برای بالایش این مفهوم کلیدی آثار خود سخت کار کرده است. زیرا می‌توانست که بر او ادعای اصالت خود را در مقام جامعه‌شناسی بر آن مبتنی می‌کند. از آن جا که رویکرد اقتصادگراییانه (اگنوستی) سزارکسیسم پس فروگرفته است. و از آن جا که ساختارگرایی افرازیس پس عینیت‌گرایانه بوده است و سزارنجام، از آن جا که نظریه‌هایی که مسلطه‌یی طبقه‌یی را با توجه توضیح می‌دهند به تجربه اولیه - آن گونه که برای مثال، در کنش‌های روزمره‌یی مبتنی بر نفع شخصی عزیزان نشان داده می‌شود - بیش از حد بها می‌دهند. بوربوی کوشیده است نظریه‌یی خود را درباری عمل چنان بروراند که هم علمی باشد و هم ناظر بر عمل. چنین بودن در این جا به معنی در نظر گرفتن اسکالیته^(۱) عاملیت و زمان است.

اما این که آیا رویکرد بوربوی با توفیق همراه بوده است یا نه مسئله دیگری است. زیرا می‌توان گفت که هرگونه سر و کار داشتن با نظریه ناگزیر عمل را در حین حرکتش منجمد می‌کند. پس شکه عادت ممکن است نوعی خلق و خواصند اما این خلق و عادت کنش‌های اسکالی^(۱۲) دقیقاً چه رابطه‌یی وجود دارد؟ بوربوی این است: فائده‌مندی‌های آماری - به عبارت دیگر، شناخت علمی، اما این شناخت به چه کاری (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره) می‌آید؟ وقتی گروه‌های اجتماعی آن را به خدمت اهداف سیاسی می‌گیرند، خطر ایدئولوژیک ضمن قرار می‌گیرد. یعنی به ندمی از قدرت نمادین، قدرت بازنمایی، بدل می‌شود. اگرچه درست است که در بر داشت بوربوی درباری وارد شدن به بازی عمل بدون کشیده شدن به دنبال آن

حرصی برای گفتن وجود دارد، و اگرچه این تصویر ترازیک او که منم فقط آن را که شناخت ضرورت باشد آزادی واقعی است. بسیاری ممکن برای دریافت زرف‌گر استار علمی و از همین رو جامعه‌شناسانه به دست می‌دهد. اما کار بوربوی هنوز بر چنانی اساسی نظریه و عمل با نظریه واقعیت منکی است. اگر قرار است کار بوربوی در برگزیده‌یی بویانی کار فرود باشد این چنانی خود باید مورد بازنگری قرار گیرد.

بوربوی در نوشتن بر پژوهش به یاد ماندنی خود یعنی تعاریف بازم هم خلق و خوبی فافرینه‌ته‌یی فیلسوف را نکوهش می‌کند، که حتماً بر داشت «تاروا فاکتوره» را که درین از زبانی شناس کانت نمونه‌یی از آن است. بوربوی می‌گوید، با فلسفه به شیوه‌یی فلسفی مقابله کردن صرفاً به معنای تقویت جایگاه ممتاز «میدان فلسفی» است. هنوز به معنی عرض ابدی به مجموعه‌یی از متون معتبر است که برای افراد غریبه با آن نسبتاً غیر قابل دسترس است. هنوز به معنی فراموش کردن فشاربیط عینی» می‌شود و از شاگردان فریخ می‌گردد. افزون بر این، ویژگی روشنفکران این است که با آن به معمولاً با بخش زیر سلطه‌یی طبقه‌یی مسلط هستند اما عادت صاحبان امتیاز را دارند.

این‌ها همه تا حدی درست است. اهمیت آگاهی از شرایط اجتماعی موجودیت فلسفه و هنر - در این است که به هرگونه ادعای مقس‌ماهانه فلسفه منستی بر استقلال از این شرایط پایان دهد. با این همه آشکار است که بوربوی خود محصول تربیت فلسفی است. درست همان‌گونه که آثار او نیز از متون ممتاز و معتبر الهام می‌گیرند. پس، بوربوی به تلوخ این نکته را می‌نویسد که در حال حاضر این متون معتبر تنها چیزی است که ما حقیقت و مشروعیت آن‌ها را نمی‌توان به گونه‌یی منطبق تأیید کرد. می‌تواند عطف توجه به شرایط عینی اشباع گوناگون گفتار^(۱۳) بزرگ‌ترین خدمت بوربوی به اندیشه‌یی جامعه‌شناسانه است. اما این جامعه‌شناسی در معرض سؤال است. پرسش‌های نظری نویسی را تپوراند.

پانوش‌تها:

- 1- dona
- 2- Homo Academicus
- 3- obsequium
- 4- orthodoxy
- 5- savoir - faire
- 6- field
- 7- habits
- 8- Well Tempered Clavier
- 9- The Blue Danube
- 10- agency
- 11- contingency
- 12- contingent
- 13- discourse